

شکست بیرهای تامیل در سریلانکا این امر را بوضوح ثابت ساخت که در عصر امپریالیسم بدون رهبری انقلابی پرولتری مبارزات توده های خلق به شکست می انجامد.

آغاز مبارزات ملیت تامیل برمی گردد به سالهای 1948 میلادی زمانی که دولت بریتانیا استقلال سریلانکا را برسمیت شناخت و این امر اعتراض گسترده اقلیت تامیل را در شمال این کشور که تبعیض از سوی اکثریت سینهالی علیه آنها رواداشته میشد، در پی داشت. نفوس ملیت سینهالی های سریلانکا 74 درصد جمعیت و پیرو مذهب بودائی اند (دین رسمی این کشور بودائی و زبان رسمی آن سینهالی است) و نفوس تامیل ها 18 درصد جمعیت سریلانکا را تشکیل می دهد و بخش اعظم آنها هندو و عیسوی اند. ویلویپیلای پرابهانکاران گروه بیرهای تامیل را در سال 1976 تشکیل داد. این گروه در سال 1983 مبارزه مسلحانه را علیه دولت سریلانکا آغاز کرد. بیرهای تامیل برای تشکیل کشور مستقل "تامیل ایلام" در شمال و شمال شرق سریلانکا که عمدتاً تامیل نشین است، می جنگیدند. این جنگ 26 سال دوام کرد و در جریان این جنگ خونین حدود 70 هزار نفر کشته شدند و ده ها هزار نفر دیگر زخمی و معلول و معیوب شده اند. بیرهای تامیل 15 هزار کیلومتر مربع (یک سوم) قلمرو سریلانکا در شمال و شمال شرق تحت کنترل خویش داشته و حکومت خود را تشکیل داد که مرکز آن ایالت (Kilinochchi) بود. این جنبش ناسیونالیستی به تشکیل ارتش منظم چریکی دست یافت که دارای بخشهای دریائی و هوائی کوچکی نیز بود.

در سال 2002 میلادی مذاکرات بین بیرهای تامیل و دولت سریلانکا آغاز شد چون دولت با خواست آنها (تشکیل دولت مستقل "ایلام") مخالفت کرد و دولت حاضر بود بنحوی خودمختاری منطقه ای آنها را برسمیت بشناسد؛ لذا بیرهای تامیل خود را از مذاکرات عقب کشیدند. در سال 2006 و باشکست مذاکرات صلح ارتش سریلانکا حملات گسترده را علیه مواضع بیرهای تامیل آغاز کرد و بعداً توانست اکثریت مناطق تحت کنترل تامیل هارا تصرف کند. دولت سریلانکا در سال 2008 حملات بزرگی را از زمین و هوا دریا بر مواضع بیرهای تامیل آغاز کرد. در جنوری 2009 دولت ایالت کلینوکچی مرکز اداری بیرهای تامیل را تصرف نمود. در ماه می ارتش سریلانکا بیشترین مناطق تحت کنترل بیرهای تامیل را اشغال نمود. بقول دولت سریلانکا در روزهای آخر نیروهای جنگی و رهبران بیرهای تامیل در یک منطقه کوچک جنگلی به مساحت یک و نیم کیلومتر مربع به محاصره ارتش سریلانکا درآمدند. قرار خبرگزاریها و مطبوعات غربی روز 16 می دولت سریلانکا اعلام کرد که بیرهای تامیل شکست نظامی خورده اند. بتاريخ 17 می یک منبع بیرهای تامیل گفت که آنها تصمیم گرفته اند که سلاح را بزمین بگذارند. دولت سریلانکا در طی چند هفته اخیر وحشیانه اقدام به سرکوب ارتش بیرهای تامیل و قتل عام مردم بیگناه تامیل کرده و هزاران نفر را کشته و ده هزار را مجروح و صدها هزار نفر را مجبور به ترک مناطق شان کرد. طبق ادعای پاتماناتان از روابط نزدیک بیرهای تامیل در آخرین روز حملات ارتش سریلانکا حدود سه هزار نفر تاملیلی کشته و 25 هزار نفر دیگر زخمی شده اند. بتاريخ 18 می دولت سریلانکا اعلام کرد که ویلویپیلای پرابهانکاران در حمله ارتش کشته شده و جسد سوخته اش به کمک مواد-DNA شناسائی خواهد شد. لاکن جسد فرزند بزرگ او چارلس انتونی را به خبرنگاران نشان داد.

کشورهای امپریالیستی و ملل متحد این جنبش را «تروریستی» خوانده و رهبران ویلویپیلای پرابهانکاران را برچسب «تروریست» زده و نام او را در لست «تروریستهای بین المللی» درج کردند. همچنان او را متهم به دزدی و قتل و جرایم سازمانیافته نمودند. قدرتهای امپریالیستی و دولتهای ارتجاعی مزدورانها و ملل متحد دستیار این قدرتها؛ مبارزات مسلحانه خلقها را که برای آزادی و حق تعیین سرنوشت شان علیه طبقات حاکم ارتجاعی ستمگرو استثمارگرو حامیان امپریالیست شان می جنگند، «تروریسم» خوانده و رهبران شانرا برچسب تروریست میزنند. اگر این قدرتها خلقها و ملل تحت ستم را مورد حمله نظامی

وحشیانه قرارداد و کشورهای شانرا به سلطه استعماری در آورند و شنیعترین جنایات را بر آنها روا دارند؛ ولی پیشرفته آنرا اقدامات «نجاتبخش» و «تعمیم دموکراسی و حفظ صلح و امنیت» جهان تبلیغ می کنند. ملل متحد و کشورهای امپریالیستی در طی سالها به پایمالی حقوق خلق تامیل توسط دولت سریلانکا و جنایات وحشیانه ارتش این کشور علیه خلق تامیل توجهی نکرده و فقط روی زیاده روی ها و برخورد های خشن ارتش تامیل و رهبران آن انگشت گذاشته اند. ملل متحد، دولت امریکا و کشورهای اتحادیه اروپا در طی ماه های اخیر در برابر تمام قتل عام ها و جنایات ارتش سریلانکا علیه خلق تامیل سکوت اختیار کرده و فقط بخاطر فریب و مغشوش کردن افکار عامه جهانیان همیشه صحبت از حفظ غیرنظامیان در معرکه های نبرد کرده است. ملل متحد که کاذبانه خود را مدافع حقوق ملتها و انمود می کند در طی این مدت کوچکترین اقدامی در جهت جلوگیری از وحشی گریهای ارتش سریلانکا علیه خلق تامیل نکرده و از جنایات دولت سریلانکا بر خلق تامیل ذکری ننموده و یا در مورد احقاق حقوق سیاسی و حق تعیین سرنوشت این ملیت سخنی نگفته است.

شکست مبارزات خلق تامیل یک بار دیگر باین اصل صحه می گذارد که آنچه که برای پیروزی مبارزات یک ملت وتوده های خلق حایز اهمیت است رهبری مترقی و انقلابی است. جنبش ناسیونالیستی خلق تامیل تحت رهبری طبقات و اقشار بالائی این ملیت با آنکه در طی دوونیم دهه ده ها هزار نفر کشته دادند، ده ها هزار معیوب و معلول شدند و ننگین ترین اجحافات و ستم از جانب طبقات حاکم ملیت حاکم سینهالی بر آنها اعمال گردید؛ رنج و اندوه و مصیبت و فقر و گرسنگی و در بدری بی حد و حصری را کشیدند؛ ولی در نهایت در زیر چمکه های ارتش دولت سریلانکا کوبیده شده و دوباره در منگنه ستم و استبداد طبقات ارتجاعی ملیت حاکم سینهالی بدتر از قبل قرار گرفتند. علت عمده این شکست اینست که مبارزات خلق تامیل تحت رهبری طبقات ارتجاعی این ملیت بود. در طول دوران دوونیم دهه در مناطق آزاد شده از زیر تسلط دولت سینهالی سریلانکا رهبران آنها ستم طبقاتی را با شدت تمام بر توده های خلق تامیل اعمال کردند. و از جهت دیگر این رهبران بر اساس تفکر و ذهنیت طبقاتی و ایدئولوژی ناسیونالیستی شان جنگ را سازماندهی و رهبری کردند. زیرا بدون سازماندهی و رهبری ارتش به شیوه مترقی و طرح تاکتیک های مبارزاتی مناسب بر همین مبنا؛ نتیجتاً نمیتواند در برابر یک ارتش چند مرتبه نیرومند تر از خود بجنگد. همچنان همه شدت عملها و برخوردهای نادرست رهبران در برابر مردم و نقض حقوق بشری که در مناطق تحت کنترل آنها صورت گرفته است ناشی از ماهیت و خصلت طبقاتی این رهبران بوده است. رهبران ناسیونالیست تامیل نه اقدامی در جهت ارتقای سطح آگاهی سیاسی توده های خلق کردند و نه برنامه و نقشه در جهت بهبود شرایط زندگی توده های مردم داشتند. توده های خلق تامیل در طی این مدت هم فشار جنایات و تجاوزات ارتش سریلانکا را متحمل شدند؛ هم در شرایط فقر و گرسنگی مصایب جنگ را تحمل کردند، هم نیروی انسانی برای ارتش ببرهای تامیل آماده می کردند و هم مصارف ارتش را از دسترنج و عرق ریزی شان می پرداختند. ولی با تمام کشتار و تلفاتی که دادند و این همه ستم و جنایتی که در طی این مدت طولانی بر آنها اعمال شده است؛ کوچکترین دست آوردی نصیب آنها نشد. باز هم این مطلب را تکرار می کنیم که: اگر مبارزات توده های خلق تحت رهبری نیروی انقلابی پرولتری نباشد یا توسط طبقات حاکم سرکوب شده و یا دست آوردهای این مبارزات توسط طبقات ارتجاعی آنها مورد مصالحه و معامله قرار می گیرد.

اگرچه تاریخ جنبش ناسیونالیستی خلقهای پشتون و بلوچ تحت سلطه دولت ارتجاعی پاکستان؛ جنبشهای ناسیونالیستی در چند ایالت هندوستان؛ جنبشهای ناسیونالیستی در کردستان ایران، کردستان ترکیه و کردستان عراق و جنبش خلق چیچن که در طی چند دهه اخیر برای تشکیل کشورهای مستقل خود مبارزه کرده اند، نظر اندازیم؛ دیده می شود که بخش اعظم این جنبشها تحت رهبری طبقات فئودال و کمپرادور این ملیتها بوده که یا توسط طبقات حاکم دولتهای مذکور سرکوب شده و یا توسط رهبران ناسیونالیست شان از مسیر اصلی آنها منحرف شده اند.

خلق افغانستان مبارزه مسلحانه را در سال 1978-1979 علیه رژیم مزدور خلقی پرچی ها و اشغالگران سوسیال امپریالیست شوروی آغاز کرد و در طی 15 سال حدود دو میلیون کشته داد به همین تعداد معلول و معیوب شدند کشورشان ویران گردید و هست و بود شانرا از دست دادند؛ 6 میلیون

نفر مجبور بفرار از وطن شده و به درد ناکترین مشکلات و مصایب دچار شده و ستم چند لایه رادر کشور های بیگانه کشیدند؛ ولی دیدیم که گروه های ارتجاعی جنایتکار و مزدور، سران تنظیم های احزاب اسلامی که خود را به کمک امپریالیستهای غربی و دولتهای ارتجاعی منطقه بر جنگ و مقاومت مردم تحمیل کرده بودند؛ در نهایت همه قربانیها و فداکاریهای توده های مردم و همه جفا و ظلم و ستمی که کشیدند بی نتیجه ماند و مدت یک و نیم دهه دیگر است که در زیر حاکمیت جبارانه گروه های جهادی و طالبان و خلقی پرچمی های وطن فروش و جنایتکار و دولت مزدور مرکزی و زیر سلطه استعماری امپریالیستها و دولتهای ارتجاعی در بدترین شرایط گرفتار اند.

خلق تامل بعد از این شکست باز هم در زیر تسلط طبقات حاکم سینهالی ستم چند لایه کشیده و زندگی پر مشقت و آینده ظلمتباری را پیش رو دارد. بدون شک مسئول این شکست تا حد زیادی رهبران ناسیونالیست تامل اند. سالها وقت بکار است تاجراحت دو نیم دهه جنگ و این شکست مصیبتبار التیام یابد. آنچه که بیش از همه قابل توجه است ضربات روحی این شکست برای خلق تامل است. و زمان بکار است تا نسل جدیدی تبارز کند و با کسب آگاهی سیاسی مترقی و انقلابی پابعرضه مبارزه ملی و طبقاتی گذاشته و با تحلیل و تجزیه علمی از علل شکست این جنگ راه مبارزه مترقی و انقلابی رادر پیش گیرد. راه نجات خلق تامل و خلق ملیت سینهالی از سلطه و ستم و استثمار طبقات حاکم فئودال و کمپرادور و امپریالیسم فقط کسب آگاهی سیاسی انقلابی و آغاز یک مبارزه توده ای تحت رهبری اندیشه های نجاتبخش خلقها جهت سرنگونی حاکمیت طبقات حاکم سریلانکا و سلطه امپریالیسم و تشکیل دولت دموکراتیک نوین است تا در آن خلقهای سینهالی و تاملی و سایر اقوام در سریلانکا بتوانند با آزادی و دموکراسی واقعی و رفاه و آسایش زندگی کنند.

20 می 2009

(فعالین جنبش نجاتبخش مردم افغانستان)